



کارگران جهان متحد شوید

کاسنامه

۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶

۱۵ می ۲۰۰۷

شماره ۸۷

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)

۱۳۸۶ در تهران

شهره صابری

اول ماه مه در ۲ سال اخیر رنگ و بوی تازه ای به خود گرفته است . مفهوم جدیدی آن را میتوان از زندگی روزمره ی کارگران و زحمتکشان ایران بیرون کشید این مفهوم خود را در مراسم اول ماه مه این دو سال نشان داده است.

مراسم امسال هم مثل سال گذشته مراسمی مستقل بود که از دل مراسم نمایشی خانه کارگر و جمهوری اسلامی بیرون آمده بود. کارگران و فعالان کارگری با استفاده از مراسم قانونی و فرمایشی خانه کارگر صف مستقل و واقعا کارگری خود را سازمان داده و چون سیل در خیابانهای تهران جاری شدند. پیش از هر چیز بد نیست به مراسم چندین ساله اول ماه مه در آبشار خور نیز اشاره کنم که با همکاری گروههای کوهنوردی کارگری در این منطقه (چند روز قبل از اول مه) بر گذار می شود و خود مقدمه ای است برای اول ماه مه. در این مراسم صدها نفر از کارگران و خانواده هایشان ضمن بر پایی چادرها و سفره های غذای اشتراکی به بر گذاری مراسم شعر خوانی ، اجرای موسیقی ، اجرای سرود توسط کودکان و جلسات بحث و گفتگو می پردازند. مراسم خور در واقع پیوندی عاطفی و انسانی را بین

خانواده های کارگری و فعالان جنبش اجتماعی طبقه کارگر بر قرار می کند. امسال رژیم جمهوری اسلامی به خیال خود برای رودست زدن به کارگران معترض و فعالان کارگری تا آخرین لحظات روز ۱۰ اردیبهشت از اعلام محل برگزاری مراسم خودداری کرد. فقط فعالان خانه کارگر در تهران و شهرستانها می دانستند که محل بر گذاری کجاست.

بسیاری از هم می پرسیدند امسال مراسم کجاست؟ راستی به نظر شما امسال چه خواهد شد؟

یکی می گفت : اینها می خواهند باز نمایش انرژی هسته ای به راه بیندازند. دیگری می گفت : احتمالا کارگران شهرهای دیگر را برای نمایش خواهند آورد. دیگری می گفت : مراسم امسال را هم باید مثل سال گذشته با شکوه و مستقل بر گذار کنیم. همه باید با هم باشیم. اما عده ای نیز خود را تافته جدا بافته می دانستند و دیگران را فرقه ای و سکت خطاب می کردند یا در این مباحث سکوت اختیار کرده یا سعی می کردند بگویند که جریانات کارگری قصد دارند جدا از کارگران مراسم بگیرند.

محل مراسم مشخص شد • امسال جمهوری اسلامی بر خلاف گذشته مراسم را از برابر سفارت سابق آمریکا راه اندازی نکرده بود. واقعیت امر این است که از



ضربه ی سال گذشته درس گرفته بود. آخر ، سال پیش تریبون

به راحتی توسط کارگران به تصرف در آمده و محجوب و ربیعی و صادقی در برابر خشم کارگران مقلوب شده بودند. برای همین مراسم در یک منطقه محدود تر بر پا می گردید • " استادیوم ورزشی شیرودی "

من دیر رسیدم اما هنگامی که رسیدم غوغایی بر پا بود سخنران که فکر می کنم ربیعی بود با تمام قوا داشت جیغ می کشید تا مفاد قطعنامه دستوری و فرمایشی خانه کارگر را از بلند گو بخواند . نگاهی به تریبون انداختم با برج قلعه های قدیمی هیچ فرقی نداشت انقدر بالا بود که انگار قرار بوده یک تیپ پیاده به آن حمله کنند و برای مصون ماندن از این حمله باید اینقدر بالا ساخته می شد. تجربه سال گذشته است دیگر! کمی جلو تر رفتم.

کارگران معترض را دیدم. پلاکاردهای سندیکای کارگران نقاش ، سندیکای شرکت واحد ، شورای همکاری تشکلهای کارگری و مشتتهای گره کرده دهها کارگر در اهتزاز بود. خشم بود و خروش رگهای گردن ها بیرون زده بود یکی از کارگران نعره کشید خانه خرابها! روزگاران را سیاه کردید بیکاری پدرمان را درآورده آنوقت از مقام عظمای ولایت طلب کمک و یاری می کنید؟ هنوز از نعره کارگر خشمگین به خودم نیامده بودم که صدای هماهنگ شعار محوطه ورزشگاه را لرزانید: "کارگر معلم اتحار اتحاد!"

و صف کارگران به طرف درب خروجی استادیوم به حرکت درآمد: کارگر زندانی آزاد باید گردد! تشکل، اعتصاب، حق مسلم ماست!

ناگهان پارچه ای عمودی که بر روی آن جمله "کار قرار دادی لغو باید گردد" در برابر جمعیت گشوده شد. دهها نفر به سرعت برق و باد از آن عکس گرفتند. وقایع چه با سرعت در حال اتفاق افتادن بود: پارچه ای سفید رنگ که از دو طرف با چوب برپا شده بود در برابر صف عقب قرار گرفت: نه اشتباه نمی کردم روی آن نوشته شده بود "کارگران جهان متحد شوید" و زیر آن نام "شورای همکاری تشکلهای کارگری" به چشم می خورد. چه داشتم می دیدم. شعار ما کارگران، شعار همه کارگران جهان، شعاری که ۱۵۰ سال است سرمایه داری را به لرزه در آورده، شعاری که بسیاری از کارگران مبارز در پای جوخه های اعدام جمهوری سرمایه داری اسلامی سر داده بودند در برابر مان قرار داشت، به اهتزاز در آمده بود. و پشت سر آن صدها کارگر در حرکت بودند. کارگران به دم در رسیدند. ناگهان یک جوان سیاه پوش به سمت پارچه حمله کرد و سعی کرد از دست کارگرانی که آن را حمل می کردند بیرون بکشد، کشمکشی میان کارگران و فرد مهاجم در گرفت که بازوی قدرتمند کارگری پارچه نوشته را از دستان او بیرون کشید. مهاجم سعی کرد بگریزد آخر به مقصود الهی اسلامی! خود نائل نشده بود اما کارگر دیگری فریاد زد بگیریدش باید بگوید مال کجاست و برای کی این کارها را می کند. جمعیت می خروشید و جلو میرفت

"این همه شرمندگی مرگ بر این زندگی"، وزیر کار استعفا استعفا،" جهرمی نالایق اخراج باید گردد". در بین شعارهایی که بر روی پلاکاردها نوشته شده بود شعارهای اقتصادی کارگران بود که حرفهای جالبی را برای گفتن داشت: سطح دستمزد کارگران و مقایسه آن با حقوقهای سر سام آور آفازاده ها و نور چشمی ها... اما در بین این تظاهرات عظیم که هر لحظه به تعداد معترضان آن اضافه می شد صحنه ی جالبی به چشم می خورد: تابوت مشکی رنگی که جمله قانون کار بر آن نوشته شده بود در پیشاپیش جمعیت در حرکت بود این تابوت در واقع اعتراض کارگران به حذف مواد قانون کار و طرح پیشنویس اصلاح این قانون بود. نیروهای انتظامی که سراپا مسلح بودند به دستور فرمانده شان به سوی تابوت حمله آوردند. درگیری بین کارگران و نیروهای پلیس آغاز شد و ناگهان تابوت به زمین افتاد. با به زمین افتادن تابوت فریاد کارگران بلند شد: بچه ها، بچه ها مرده افتاد! خشم و خنده با هم آمیخته شده بود. جمعیت می خروشید و جلو می آمد شعارها سمت و سو پیدا کرده بود. بیش از همه شعار محمود صالحی آزاد باید گردد، کارگر زندانی آزاد باید گردد کوبنده و برنده از سوی جمعیت سر داده می شد. هنوز این شعار خاتمه نیافته بود که شعار "هسته ای را رها کن فکری به حال ما کن- فلسطین را رها کن فکری به حال ما کن" به هوا خواست. خانه کارگر امسال به تمام قوا از همه

شهرها کارگران را به تهران آورده بود و در یک اقدام سمبلیک به دست آنها پرچمهایی با آرم و نام خانه کارگرو کلاه مقوایی ضد آفتاب که باز آن هم آرم خانه کارگرا بر خود داشت داده بود. کارگرانی که خانه کارگر به هزار دردرس از دیگر شهرستانه امده بودند در همان لحظات اول به صف مستقل کارگران پیوستند. هنگام اتمام تظاهرات با گوش خود شنیدم که یکی از همین کارگران به رفیقش می گفت: اینها (خانه کارگری ها) خودشان هم از آوردن ما پشیمان شدند. اما حضور نیروهای انتظامی در صحنه دیدنی بود. اول به آنها دستور حمله از بغل جمعیت آن هم با موتور دادند در حالی که بسیاری از آنها بین جمعیت و در حال صحبت کردن با کارگران و مردمی (که به کارگرم پیوسته بودند) بودند. موتورهای غول پیکر به سمت کارگران هجوم آوردند صدای گاز موتورها و شعار و اعتراض کارگان با هم در هم آمیخته بود اما این حمله فایده نداشت. این بار دستور حمله از مقابل و اول صف کارگران که به میدان هفت تیر نزدیک شده بود داده شد جمعیت به عقب کشیده شد و باز به جلو حمله کرد. این وقایع در حالی اتفاق می افتاد که ماشینهای شخصی و مردم عادی سوار بر آنها بدون اینکه آسیبی به آنها از سوی کارگران وارد شود از سمت راست خیابان در حال حرکت بودند. دوبار حمله و این بار باظومها بالا رفت. با هر بار حمله شعار "مرگ بر حامی سرمایه دار" خیابان را به لرزه در می آورد.

افسران پلیس که انگار به هر روزه بودن تجمع اعتراض در تهران آن هم این روزها

عادت کرده بودند با خواهش التماس از و صف کارگران به طرف درب خروجی آن می خواستند تا صحنه را ترک و از تجمع خودداری کنند. کارگران عملاً در نزدیکی های میدان هفت تیر به راهپیمایی خود پایان دادند. اما دانشجویان به سمت دانشگاه تهران حرکت کردند.

قرار بود عصر همان روز در پارک شهر مراسم کودکان کار و ساعتی بعد از آن مراسم روز کارگر به همت "هیت موسس سندیکاهاى کارگری" و "سندیکای شرکت واحد" بر گذار شود. مراسم دوم که در سالن "باختر" قرار بود انجام شود با فشار اداره اطلاعات لغو گردید. گفته می شد که کارگران و مراجعہ کنندگان به عنوان اعتراض به جلو گیری از انجام این مراسم ۲ ساعتی را در برابر سالن باختر تجمع کرده بودند.

امسال اول ماه مه چه حال و هوای داشت! امسال کارگر و معلم (که خودش نوعی کارگر فکری محسوب می شود) و دانشجو دوش به دوش هم علیه نابرابری و بانى آن یعنی سرمایه داری مبارزه کرده بودند... اما این مبارزه به اینجا ختم نخواهد شد این مبارزه تداوم پیدا خواهد کرد، اما به یک شرط به شرطی که از آن نتیجه ای مشخص به دست آید نتیجه ای که به سر نگونی مناسبات کهن و بر پایی سوسیالیسم یعنی نظام آرمانی و واقعی مزد بگیران منجر گردد. این نتیجه فقط زمانی میسر می گردد که مبارزات از سوی نیروی پیشاهنگ آن سازماندهی و رهبری شود همانگونه که امسال گوشه هایی از این سازماندهی هویدا و پیدا بود. این موج خروشان به مقصد خواهد رسید اما نه خود انگیخته و خود بخودی بلکه سازمان یافته و تشکیلاتی.

روز اول ماه مه در سایر کشورها

امسال کارگران جهان در شرایطی روز اول ماه مه را برگزار کردند که سرمایه در راستای سیاست های دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی این دو نهاد منفور سرمایه داری برای کنترل تورم و افزایش رشد اقتصادی کشورها به هر قیمت، به سطح معیشت طبقه کارگر هر چه بیشتر یورش برد. برای آنکه کشورهای سرمایه داری در مسابقه برای انباشت هر چه بیشتر از یکدیگر سبقت گیرند می باید از روی جنازه کارگران عبور کنند. بدین منظور با گسترش خصوصی سازی، حذف یارانه ها، کاهش بیمه های اجتماعی و درمانی، کاهش حقوق بازنشستگان عرصه را بر کارگران تا توانستند تنگ تر کردند. در واکنش به این سایت ها روز اول ماه مه امسال در اکثر کشورها به روز اعتراض و قدرت نمایی کارگران تبدیل شد. در مسکو پایتخت روسیه بیش از ۲۵ هزار نفر کارگر به دعوت اتحادیه های کارگران و حزب کمونیست آن کشور در اعتراض به پایین بودن دستمزدها و زندگی بهتر در میدان کالوژسکایا در کنار مجسمه لنین تجمع کردند و تا میدان تیاترلنایا محلی که مجسمه کارل مارکس در آن بر پاست راهپیمایی کردند. آنان خواستار آموزش و پرورش رایگان شدند و به چپاول و بهره کشی سرمایه داران اعتراض کردند. در شهر استانبول ترکیه، تظاهرات عظیم روز جهانی کارگر به درگیری با پلیس ضد شورش منجر شد و ۶۹۵ تن دستگیر شدند، ۱۹۸ تن از دستگیر شدگان را زنان و

۴۹۷ تن را مردان تشکیل می دادند. پلیس ضد شورش آن شهر تدابیر ویژه ای برای جلوگیری از راه پیمایی کارگران اتخاذ کرده بود که زندگی در آن شهر را مختل کرده بود. در آتن پایتخت یونان کارگران با شعار علیه سرمایه داران به سوی سفارت آمریکا در آتن حرکت کردند و خواستار خاتمه اشغال عراق و افغانستان شدند. آنان همچنین خواستار آموزش و پرورش رایگان شدند. در شهر اربیل عراق نیز کارگران که توسط انجمن کارگران وابسته به حزب کمونیست عراق سازماندهی شده بودند با حمل پلاکاردهایی به کمبود دستمزد و فقدان حمایت های اجتماعی در مورد خود و خانواده هایشان اعتراض کردند. در ماکائو پلیس به سوی کارگران تظاهر کننده آتش گشود و بین کارگران تظاهر کننده و پلیس زدو خوردی سنگین رخ داد. در مانیل پایتخت فیلیپین بیش از ۵ هزار نفر کارگر با پرچم های سرخ و با پرچم حزب کمونیست آن کشور به طرف کاخ ریاست جمهوری آن کشور تظاهرات کردند. در مقابل کاخ ریاست جمهوری تظاهر کنندگان بیش از یکساعت با پلیس ضد شورش درگیر شدند و خواستار برکناری رئیس جمهور شدند. در تایلند بیش از ده هزار کارگر در مرکز بانکوک راه پیمایی کردند و علیه دولت نظامی آن کشور که با کودتا بر سرکار آمده است. شعار می دادند. نیروهای امنیتی شامل پلیس ضد شورش به صفوف تظاهر کنندگان حمله ور شدند. در نیوم نپه پایتخت کامبوج کارگران در جلوی پارلمان آن کشور به تظاهرات پرداختند. در جاکارتا پایتخت اندونزی دهها هزار کارگر با ۳۰ هزار پلیس ضد شورش آن کشور درگیر شدند و علیه سرمایه داری شعار می دادند.

جاودان باد روز اول ماه مه

اطلاعیه شماره ۲

فراخوان اتحادیه سراسری کارگران
اخراجی و بیکار به مردم سندجکارگران، معلمان،
دانشجویان؛ جوانان

سه روز از سرکوب وحشیانه مراسم اول ماه مه و ضرب و شتم و بازداشت کارگرانی که در این مراسم حضور داشتند میگذرد. در طول این مدت علیرغم پیگیری خانواده های بازداشت شدگان، این کارگران همچنان در زندان بسر می برند و تازه، ماموران سرکوب طی دیروز و امروز شیث امانی، خالد سواری و طیب چتانی را نیز بازداشت کرده و همچنان به دنبال بازداشت سایر اعضای هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار هستند.

کارگران بازداشتی هیچ کاری جز دفاع از حقوق انسانی شان و برگزاری مراسم اول ماه مه که حق مسلم آنهاست نکرده اند. سرکوبگران با بازداشت محمود صالحی در پیش از اول ماه مه، تلاش کردند تا با ایجاد جو رعب و وحشت مانع از برگزاری مراسم اول ماه مه بشوند، اما اعضای اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار و دیگر فعالین کارگری در مقابل این وضعیت تسلیم نشده و در اقدامی جسورانه و حق طلبانه، اقدام به برگزاری مراسم این روز کردند. این حق ماست که اول ماه مه را برگزار کنیم، تشکلهای خود را بر پا داریم و از حقوق انسانی مان دفاع کنیم. هیچکس نمیتواند این ابتدائی ترین حقوق انسانی را از ما کارگران

سلب کند. تعرض به کارگران، به دلیل برگزاری مراسم اول ماه مه و ضرب و شتم آنان، لگد مال کردن وحشیانه ی ابتدائی ترین حقوق انسانی کارگران است. بدیهی است، اگر ما امروز اجازه دهیم تا ابتدائی ترین حقوق تولید کنندگان اصلی ثروت در جامعه، اینچنین لگد مال شود، می باید فردا برای نفس کشیدن در خانه هایمان نیز، از حکومتگران کسب تکلیف کنیم. اینان از ما کارگران توقع دارند تا همانند بردگان هزاران سال پیش، هم فقر و گرسنگی مفرط و بی پایانی را متحمل شویم و هم صدایمان در نیاید، اما ما ذره ای از حقوق انسانی خود کوتاه نخواهیم آمد.

مردم آزادیخواه و برابری طلب! ما در اعتراض به این وضعیت ضد انسانی و دفاع از حقوق کارگرانی که مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بازداشت شده اند، شما را فرا میخوانیم تا به اتفاق هم و دوشادوش خانواده های کارگران بازداشتی، ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخه ۱۳۸۶/۲/۱۵ در مقابل دادگاه، در میدان بسیج سندج گرد هم آئیم و متحدانه خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همه کارگران بازداشتی و محاکمه عاملین و آمرین حمله به کارگران شویم.

زنده باد اول ماه مه

زنده باد آزادی و برابری

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار .
۱۳۸۶/۲/۱۳

بازداشت معلمان و توقیف
قلم معلم را محکوم می کنیم

طی ماه های اخیر معلمان جهت بدست آوردن مطالبات خود تجمع و اعتراضات متعددی را برگزار کردند ، در مقابل توسط عوامل سرمایه داری سرکوب ، دستگیر و زندانی شده اند و هنوز تعدادی از معلمان و نمایندگان شان در زندان به سر می برند. در تاریخ ۱۱/۲/۱۳۸۶ نیروهای امنیتی دفتر قلم معلم را مورد حمله قرار داده ضمن توقیف نشریه فوق لوازم آن را با خود بردند. از طرفی محمد خاکساری مدیر مسئول قلم معلم و بازرس کانون صنفی معلمان ایران احضار شده و قرار است روز شنبه ۱۳۸۶/۲/۱۵ دادگاهی شود.

معلمان اعلام کردند ساعت هشت صبح شنبه ۱۳۸۶/۲/۱۵ به حمایت از محمد خاکساری مقابل دادگاه انقلاب واقع در خیابان معلم تجمع خواهند کرد.

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری ضمن حمایت از خواسته ها و اعتراضات این قشر زحمتکش خواستار آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی است.

کارگران ، دانشجویان ، دانش آموزان و آزادیخواهان !!!

به هر نحو ممکن از مبارزات و خواسته های معلمان حمایت کنیم.

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری
۱۳۸۶/۲/۱۲

برقرار باد پیوند کارگران ،
زنان ، دانشجویان ، معلمین

زنده باد سوسیالیسم